

داستان‌های شرلوک هولمز

# دره وحشت

آرتور کانن دوایل

ترجمه مؤده دقیقی



## فهرست مطالب

درباره شرلوک هولمر هفت

### بحث اول فاحصه برلستس

۳	۱ هشدار
۱۶	۲ گفتگوی آقای شرلوک هولمر
۲۸	۳ فاحصه برلستس
۴۱	۴ تاریکی
۵۷	۵. آدمهای بمایش
۷۳	۶. روشایی سپیده دم
۹۰	۷ راه حل

### بحث دوم پیشمرگان

۱۱۵	۱ مرد
۱۲۷	۲ استاد اعظم
۱۵۰	۳ لژ ۳۴۱، ورمیسا
۱۷۳	۴ دره وحشت
۱۸۸	۵. سیاهترین دوران
۲۰۶	۶. حطر
۲۲۰	۷ به دام انداختن بردی ادوارد
۲۳۴	مؤخره

## هشدار

گفتم

- من فکر می‌کنم که  
شرلوک هولمز از روی بی‌حوصلگی گفت  
- من این کار را می‌کنم  
من معتقدم که یکی از بردبارترین ابناء بشر هستم، ولی ادعان  
می‌کنم که از این مداخلهٔ تمسخرآمیز ناراحت شدم و نا لحنی حدی

گفتم

- واقعاً که بعضی وقتها کمی بدقلق می‌شوی  
او چنان عرق در تفکر بود که فوراً به اعتراض من پاسخ نداد دستش  
را زیر چانه رده و صحابه‌اش دست‌نخورده مقابلش بود، به تکه کاعدی  
نگاه می‌کرد که همان موقع از پاکت بیرون آورده بود آن وقت خود  
پاکت را برداشت، آن را جلو نور گرفت، و خیلی با دقت قسمت بیرونی  
و در پاکت را واریسی کرد بعد با حالت متفکرانه‌ای گفت  
- دست‌خط پورلاک<sup>۱</sup> است تقریباً مطمئنم که دست‌خط پورلاک است،  
هرچند دو بار بیشتر دست‌خط او را ندیده‌ام قوس فوقانی عجیب و  
غریب حرف «e» کوچک کاملاً مشخص است ولی اگر این نامه از  
طرف پورلاک باشد، لاند خیلی مهم است

هولمر بیشتر با خودش حرف می‌زد تا با من، ولی حرفهایش به قدری  
برایم حال بود که ریحش و ناراحتی‌ام از بین رفت پرسیدم  
- پورلاک دیگر کیست؟

- پورلاک یک اسم مستعار است، واتسن، صرفاً یک علامت  
شاسایی است، ولی شخصیتی مودی و حيله‌گر پشت آن قرار دارد در  
یکی از نامه‌های قلبی‌اش صادقانه به من اطلاع داد که پورلاک اسم  
خودش بیست، و مرا از جستجو در میان میلیونها جمعیت این شهر  
بررگ برحدر داشت پورلاک نه به خاطر خودش، بلکه به خاطر آدم  
مهمی که نا او در تماس است اهمیت دارد در دهس خود، ماهی چسبده  
و طفیلی را در کنار کوسه، و شعال را در کنار شیر محسم کن - چیری  
بی‌اهمیت را در کنار چیری مهیب به تنها مهیب، واتسن، بلکه شیطانی،  
بی‌بهایت شیطانی به همین دلیل است که در حوره کار من قرار  
می‌گیرد تا نه حال درباره پروفسور موریارتی<sup>۱</sup> برایت صحت کرده‌ام؟  
- مطورت آن دانشمند حیاتیکاری است که در میان دردها  
همان قدر شهرت دارد که

هولمر با لحن اعتراض آمیزی آهسته گفت

- حواست را جمع کن، واتسن

- می‌حواستم بگویم «که در میان مردم ناشاخته است»

هولمر فریاد زد

- یک اشاره - یک اشاره کاملاً آشکار! واتسن، کم‌کم یک حور  
شوح طبعی غیر متطره شیطنت‌آمیز در تو نه وجود می‌آید که ناید یاد  
نگیرم مراقش باشم ولی اینکه موریارتی را حیایتکار خواندی، از نظر  
حقوقی یک افترا بود، و عظمت و عراست کار او بیز در همین است  
بررگترین توطئه‌گر همه اعصار، سازمان‌دهنده همه امور شیطانی، معر  
متعکر جامعه حیایتکاران - نابعه‌ای که می‌تواند سرنوشت ملتها را

سارد یا تباه کند. او چیس آدمی است ولی چنان مرا از سوءطن  
عمومی است - چنان مصون از انتقاد است - چنان به لحاظ تدبیر و  
پنهانکاری تحسین‌برانگیر است که می‌تواند دقیقاً به خاطر همین  
کلماتی که بر زبان آوردی تو را به دادگاه بکشد و نا مستمری  
سالیانه<sup>۱</sup> به عنوان حسارت شخصیت آورده خود پیروار دادگاه  
یرون بیاید مگر او سويسده کتاب دیسایمیک سیازکها<sup>۲</sup> بیست؟  
- کتابی که به چنان مراتب خاص و نادری در ریاضیات محص وارد  
می‌شود که می‌گویند در بشریات علمی هیچ‌کس توانایی انتقاد از آن را  
نداشته؟ مگر می‌شود چیس آدمی را متهم کرد؟ نقش شما به ترتیب  
چیس خواهد بود دکتر معتری و پروفسوری که نه او تهمت رده‌اند  
واتسن، این نوع است ولی اگر آمده‌های حقیر دست از سرم بردارند،  
قطعاً نوبت او هم می‌رسد

از صمیم قلب گفتم

- امیدوارم من هم باشم و بسیم! ولی داشتنی درباره این مرد،  
پورلاک، صحت می‌کردی

- بله - این پورلاک کدایی حلقه‌ای است از آن ریحیر که ناسر حلقه  
قدرتمندش فاصله کمی دارد بین خودمان باشد، پورلاک حلقه کاملاً  
نیقزی هم بیست تا آنجا که توانسته‌ام این ریحیر را بررسی کنم،  
پورلاک تنها نقطه ضعف آن محسوب می‌شود

- ولی استحکام هر ریحیری به اندازه استحکام صعیفترین حلقه آن  
است

- دقیقاً همین‌طور است، واتسن عزیزم به همین دلیل هم پورلاک  
خیلی اهمیت دارد او تحت تأثیر بعضی کششهای درونی رشدیافته در

<sup>۱</sup> منظور ملعی است که واتسن سالیانه به خاطر خدمت در جنگ دوم افعان (۱۸۸۱)

<sup>۲</sup> و حراحتهای شدند و بیماری سحتش دریافت می‌کرده